**بســـــــم الله الرحمن الرحیم**

رسالة الانسان قبل الدنيا

الرسائل التوحيدية، ص: 164

و ظواهر الكتاب و السنة تدل على ما مرّ قال تعالى: أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِين‏ (اعراف/54) ففرّق سبحانه بين الخلق و الأمر، فعلمنا أنّ الخلق غير الأمر بوجه و ليس الأمر مختصّا بآثار أعيان الموجودات، حتّى تختصّ الأعيان بالخلق، و آثار الأعيان بالأمر؛ لقوله سبحانه: قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي. (اسراء/85) فنسب سبحانه الروح، و هو من الأعيان إلى الأمر، و قوله تعالى: إِنَّما أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. (یس/82) أفاد أنّ أمره هو إيجاده بكلمة كن، سواء كان عينا أو أثر عين، و حيث ليس هناك إلّا وجود الشي‏ء الذي هو نفس الشي‏ء، تبيّن أنّ في كلّ شي‏ء أمرا إلهيّا.

ثم قال سبحانه: إِنَّا خَلَقْناهُمْ مِنْ طِينٍ لازِبٍ (صافات/11)‏ و قال: إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَلِيهِ (انسان/2)‏ و غير ذلك من الآيات المفيدة أن الخلق بالتدريج.

و مراحل الاستدلال علی ما نروم هکذا:

1. تبیین معنی لفظتي «الخلق» و «الامر»

....

1.3) معنای درست عبارت است از:

* الخلق بالتدريج (أي الإیجاد بالتدریج) (مدعی)

شواهد:

الف) إِنَّا خَلَقْناهُمْ مِنْ طِينٍ لازِبٍ‏

ب) إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَلِيهِ‏

مشاهده می شود که تبدل طین و نطفه به انسان تدریجی است مضافاً به احتمال اینکه مراد از نبتلي کهنه کردن و از مرحله‌ای به مرحله دیگر منتقل نمودن باشد و از تراکم اینگونه استعمالات بالاطراد کشف می‌شود که خلق مفید تدریج است.

لکن در مورد این شواهد می‌توان گفت اثبات اخص اثبات‍گر اعم نیست (عدم صحت تمسک به صحت حمل شایع صناعی) و حجم شواهد نیز از اثبات اطراد قاصرند.[[1]](#footnote-1)

مگر اینکه گفته شود مراد اثبات معنای لغت برای استعمالات عرفی نیست بلکه مطلوب استکشاف معنای خاصی است که در کتاب الهی جهت القای همه معارف یا بخشی از آن منظور شده است. یعنی ویژگی معنا با وجدانیات و یا سایر استعمالات روشن شده و بعد گفته می‌شود لفظ مورد استعمال دارای چنین دلالتی است مگر اینکه شاهدی بر خلاف باشد. و به‌عبرات صریح‌تر اینجا دنبال کشف معنای موضوع‌له نیستیم تا از طرق اثبات آن استفاده کنیم بلکه دنبال کشف معنای مستعمل‌فیه (ظرائف معنایی) هستیم که در استعمالات اطراد یافته و نزد ارتکاز تبدیل به اصل شده است که برای خروج از آن دلیل لازم است.

این حرف منافی اتحاد طریقه خداوند و عرف در القائات نیست و خود عرف نیز گاهی برای الفاظ یک متن خاص و برجسته ویژگی‌های معنایی خاصی را می‌پذیرد.

عوالم وجود، ماده «خ ل ق»، کشف معنای مستعمل‌فیه، عرفان نظری، اطراد

**تکلیف:**

استعمالات ماده خلق در کتاب الهی استقصا شده و صحت دعوی اطراد بررسی گردد؟

1. ## . آیات دال بر تدریج در عالم ماده محدود به این‌ها نیست مانند آیات دال بر روییدن گیاهان و زرد شدن آنها (مانند 99 انعام و 24 یونس و 45 کهف) مضافا به برهان عقل لکن در همه اینها ماده خلق وارد نشده است. تمسک به اینها برای تبیین معنای خلق، ممکن است اینگونه تقریر گردد که همه این آیات همراه وجدان قطعی ما به تدریجی بودن موجودات این عالم کاشف است از اینکه سنخ وجود این موجودات، تدریجی است. پس اگر دیدیم که از ایجاد این موجودات تعبیر خلق آورده می‌شود می‌توانیم کشف کنیم که معنای ماده خلق، ایجاد موجودات تدریجی و یا ایجاد بالتدریج است.

   [↑](#footnote-ref-1)